

برخی معیارهای اخلاق پزشکی از دیدگاه محمدبن زکریای رازی

سید محمود طباطبایی^۱

چکیده

در آثار به جای مانده از اطبای مسلمان، به ویژه محمدبن زکریای رازی، نکات مهمی در ارتباط با اخلاق پزشکی مطرح شده است که می توان آن ها را در سه بخش عمده مطرح کرد:

۱- رعایت موازین اخلاقی در پرداختن به حرفه ی پزشکی: رازی با توجه به نظریات پزشکان برجسته ی معاصر و پیش کسوت خود، تأکید زیادی بر ویژگی های شخصیتی متعددی می کند که پزشک باید از آن ها برخوردار باشد تا بتواند شایسته ی طبابت باشد. به عنوان مثال، وارستگی و آراستگی در ظاهر و رفتار، رازداری، پرداختن به مطالعه، خودداری از اتلاف وقت در کارهای بیهوده و ناشایست، عدم توجه به مادیات و استفاده از طبابت به عنوان تجارت، داشتن اعتماد به نفس مناسب در هنگام کار و احترام گذاشتن به بیمار، از ویژگی های پزشک خوب به شمار می آیند.

۲- رعایت موازین اخلاقی در امور پژوهشی: یکی از ویژگی هایی که رازی را نسبت به اکثریت پزشکان - و حتی ابن سینا - ممتاز می کند، رعایت اخلاق در پژوهش است. رازی، هر جمله و نقل قولی را با ذکر مأخذ می آورد و حتی مطالبی را که از مأخذ ناشناخته می آورد، تأکید می کند که از کتابی با نویسنده ی مجهول آورده ام. وی به پزشکانی خرده می گیرد که مطالب دیگران را به گونه ای نقل کرده اند که گویی خودشان آن را انجام داده اند و می گوید که این کار، شایسته ی پزشک نیست.

۳- رعایت موازین اخلاقی در امور درمانی: رازی برای هر اقدام درمانی، خود را موظف به رعایت اخلاق، دقت، امانت و احساس تعهد نسبت به بیمار می داند. به عنوان مثال، تأکید می کند که هیچ گاه نباید پیش از شناسایی عامل درد، داروهای ضد درد را تجویز کرد، بلکه باید عامل را شناسایی کرده، به اقدام برای زدودن آن پرداخت. در همین راستا تأکید می کند که در برخی از موارد پزشکان، درد چشم را با تریاک یا دیگر داروها درمان کرده اند که منجر به کوری شده است. هم چنین تأکید کرده که زیاده روی در مصرف برخی داروهای به ظاهر سودمند- هم چون زعفران که رنگ رخسار را نیکو می گرداند- ممکن است به عوارض وخیم و حتی غیر قابل جبرانی بینجامد. هم چنین می افزاید که باید از به کار بردن داروهای متعدد برای برطرف کردن علامت های مختلف خودداری کرد، زیرا ممکن است چند علامت، همگی مربوط به یک عامل باشند و با درمان عامل، همه ی آن علائم زدوده شوند. در اصل مقاله هر کدام از موارد فوق به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: اخلاق پزشکی، رازی، الحاوی، طب سنتی

^۱ - استاد روانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

نشانی: بیمارستان تخصصی روانپزشکی ابن سینا - بلوار حر عاملی، میدان فردوسی، مشهد. تلفن: ۷۱۱۲۷۲۲ - ۰۵۱۱

email: smtabataba_md@yahoo.com

مقدمه

رعایت موازین اخلاقی در حرفه پزشکی، یکی از مهم‌ترین اصول آموزش، پژوهش و درمان به‌شمار می‌آید. این امر، اختصاص به پزشکی معاصر نداشته، بلکه از قرن‌ها پیش - و تا جایی که بررسی‌ها نشان می‌دهند - از زمان بقراط، به‌صورت مدون و مکتوب درآمده است. یکی از متون مهم و معتبری که در این زمینه رهنمودهای بسیار جالب و ارزشمندی ارائه کرده، کتاب الحاوی زکریای رازی است. اهمیت مطالب کتاب الحاوی که بالغ بر ۲۵ جلد است، از دیدگاه مورخین و اندیشمندان به اندازه‌ای بوده که در طول یازده قرنی که از تألیف آن می‌گذرد، همواره به‌عنوان معتبرترین کتاب مرجع برای هر گونه تحقیق پزشکی به‌ویژه در زمینه‌های بالینی، مورد استفاده قرار گرفته است. در این مقاله، برای ترجمه و تطبیق بسیاری از موضوع‌های آن کتاب با اصطلاحات و مبانی دانش نوین پزشکی، از نظریات و اندیشه‌های دانشمندان برجسته‌ای استفاده شده (۲۳-۸) و مهمترین معیارهای اخلاق پزشکی از کتاب الحاوی ارائه شده اند.

۱- رعایت موازین اخلاقی در پرداختن به حرفه‌ی

پزشکی:

رازی با توجه به آراء و نظریات پزشکان برجسته‌ی معاصر و پیش‌کسوت خود، برخی از ویژگی‌های شخصیتی پزشک را چنین توصیف کرده است:

پزشک باید ظاهری آراسته داشته باشد، چهره، اندام‌ها، موها و لباس‌های وی مناسب و تمیز باشند، هم‌چنین باید گشاده‌رو و خوش‌گفتار باشد. از ترش‌رویی، شتابزدگی و بی‌پروایی در کارها خودداری کند، آزمند به زر و زیور نباشد، لحنی ملایم داشته و در اخلاق و برخورد نیکو باشد. با بیماران مهربان، نسبت به آنان دلسوز و هنگام اعمال پزشکی هم‌چون رگ زدن، بر بالین بیمار حاضر باشد (۱).

به گفته‌ی وی، پزشک نباید به‌گونه‌ای در گفتار و رفتار خشن باشد که به کینه‌ورزی بیمار انجامیده یا به‌گونه‌ای خود را خوار و هم‌چون خدمتکاری برای بیمار بنمایاند که بیمار برای او ارزشی قائل نباشد؛ بلکه باید شخصیت خود را به‌گونه‌ای بنمایاند که بیمار، او را ارجمند به‌شمار آورده و با جان و دل دستورات او را اجرا کند (۱).

وی هم‌چنین گفته است: «پزشک باید نگره‌دارنده‌ی رازهای بیمار بوده، چنان‌چه به اسرار بیمار آگاهی یافت، از افشای آن‌ها جداً خودداری کند، زیرا صرف‌نظر از جنبه‌ی اخلاقی، ممکن است افشای اسرار بیمار، به قیمت جان پزشک تمام شود» (۱).

به گفته‌ی رازی، برای شناسایی بهتر پزشک، باید به شرح حال گذشته‌ی وی توجه کرد و به بررسی این امر پرداخت که آیا عمر خود را با فراگیری دانش پزشکی و تجربیات بالینی سپری کرده یا به کارهای دیگری اشتغال داشته است و آیا در حال حاضر هنگام فراغت از کارهای پزشکی، به مطالعه و فراگیری هر چه بیش‌تر دانش پزشکی می‌پردازد یا به کارهای دیگر؟ آیا به کارهای پزشکی بیش‌تر علاقه‌مند است یا به تفریح، خوش‌گذرانی و مشروب‌خواری؟ و اگر چنین باشد، نیازی به آزمودن وی نیست و باید از او روی‌گردان شد، زیرا شایسته‌ی حرفه‌ی پزشکی نیست (۱).

معیارهای ارزشیابی و آزمودن پزشکان و مدعیان

حرفه‌ی پزشکی

به گفته‌ی رازی، برای آزمودن و ارزشیابی پزشک، نخست باید در زمینه‌ی تشریح و فیزیولوژی، پرسش‌هایی را مطرح کرد و استدلال وی را در ارتباط با فهم و ادراک مطالب مندرج در کتب پزشکی^۱ بررسی کرد. اگر آن شخص از موارد یاد شده، مایه‌ای نداشته باشد، نیاز به ارزیابی عملکرد بالینی وی نیست، ولی چنان‌چه دانش وی در حد قابل قبولی بود، باید

این زمینه داشتن اطلاعات کافی برای موارد کاربرد و ممنوعیت استفاده از حجامت و رگ زدن بیمار الزامی است (۲).

۹- به جز موارد یاد شده، نباید سخت‌گیری‌های نابه‌جا و بیش از اندازه‌ای برای آزمودن پزشکان به عمل آورد؛ به عنوان مثال، نباید انتظار داشت که پزشک تنها بر اساس لمس کردن نبض یا مشاهده‌ی ادرار به جنسیت بیمار یعنی زن بودن، مرد بودن یا خواجه بودن وی پی ببرد! بلکه باید بتواند نبض طبیعی را از غیر طبیعی تمیز بدهد، ادرار طبیعی از غیر طبیعی را بر اساس رنگ، نوع رسوب و ارتباط رنگ یا نوع رسوب با بیماری‌های مختلف، تشخیص دهد و پیش‌آگهی و اقدام درمانی هر یک از آن‌ها را بداند (۳).

لازم به یادآوری است که در ارزیابی‌های به عمل آمده بر روی میزان رضایت شغلی از پرداختن به مشاغل درمانی، در موارد متعددی تفاوت چشم‌گیری بین مبانی اساسی طبابت در گذشته و شیوه‌های رایج فعلی پزشکی مشاهده شده است (۴).

۲- رعایت موازین اخلاقی در امور پژوهشی:

یکی از ویژگی‌های رازی که او را نسبت به اکثریت اطباء گذشته ممتاز می‌کند، رعایت موازین اخلاقی در امور پژوهشی است. او هر جمله و نقل قولی را با ذکر مأخذ نقل می‌کند و حتی مطالبی را که از کتاب‌هایی با نویسنده‌ی ناشناخته آورده، به همان صورت، بازگو کرده است. این امر حتی در کتاب قانون ابن سینا به این دقت رعایت نشده است. در همین راستا به نقل دو بخش از کتاب الحاوی می‌پردازیم.

الف- رازی پس از نقل مطالبی از «اریباسیوس» می‌گوید: «برای من کاملاً روشن و آشکار است که اریباسیوس در این بخش و بخش‌های پیشین، تنها سخنان جالینوس را بازگو کرده، ولی آن‌چنان سخن رانده که گویی خودش همان کارهای درمانی را انجام داده است. چنین شیوه‌ای، پسندیده نیست زیرا برای خواننده، این گمان پیش می‌آید که اریباسیوس، خودش چنین تجربیاتی را داشته است. البته ممکن است خود اریباسیوس هم، چنین تجربیاتی را انجام

عملکرد بالینی وی را بررسی کرد. برخی از معیارهای این بررسی عبارتند از:

۱- دانش نظری پزشک باید همراه با تجربیات بالینی باشد و چنان‌چه تجربه‌ای در کار نباشد، پزشک از به کار بردن دانش خود، ناتوان خواهد بود. در همین راستا، چنان‌چه پزشکی ادعا کند موضوعی را در کتاب‌های پزشکی خوانده است، باید آدرس دقیق مأخذ را از وی جویا شد و نظرهای مخالف و موافق سایر پزشکان را هم از وی پرسید.

۲- پزشک باید وضعیت و عملکرد طبیعی اندام‌ها را به خوبی بشناسد تا بتواند به در رفتگی‌ها، سستی کار اندام‌ها و نابهنجاری‌های مختلف پی ببرد.^۱

۳- پزشک باید زمان شیوع و فصل گسترش بیماری‌های گوناگون را بداند.

۴- پزشک باید هرچه بیش‌تر از دانش پزشکان کارآزموده و سالمند استفاده کند و چیزی بیش‌تر از تجربه‌اندوزی و کار موفقیت‌آمیز برای او لذت‌بخش و خوشحال‌کننده نباشد.

۵- پزشک باید در موارد دشوار و پیچیده از مشورت با افراد کارآزموده و پزشکانی که در آن زمینه تجربه‌ی بیش‌تری دارند، استفاده کند و در صورت لزوم با چند نفر از آنان به بحث و مشورت بپردازد، سپس تصمیم لازم را بگیرد.^۲

۶- پزشک حاذق باید بتواند به وسیله‌ی یک دارو، چند بیماری یا علامت بیماری را درمان کند و برای هر علامت نیازمند به کار بردن داروی جداگانه‌ای نباشد و چنان‌چه داروی مورد نظر او در روستاها و مناطق دورافتاده پیدا نشود، باید توانایی استفاده از داروهای جایگزین را داشته باشد.

۷- پزشک باید بیماری‌های تبار و ارتباط تب‌ها با سایر بیماری‌ها را بداند.

۸- پزشک باید حالت‌ها و وضعیت‌های اورژانسی را به خوبی تشخیص داده و توانایی اقدام لازم را داشته باشد. در

۱- فیزیولوژی و فیزیوپاتولوژی

۲- تشکیل کمیسیون‌های پزشکی

داده باشد، ولی برماست که ضمن بازگو کردن گفتار هر یک از پزشکان در این کتاب، به روشنگری پرداخته و با توجه به این که در بازنویس کتاب‌ها - به‌ویژه در ترجمه‌ی کتاب‌ها - ممکن است اشتباهاتی پیش آمده باشد، باید هر چه بیش‌تر به روشن کردن گفته‌های پیشینیان پردازیم تا به نتیجه‌ی بهتر و کارآمدتری برسیم» (۵).

ب- رازی به نقل از جالینوس آورده است:

در برخی کتاب‌های پزشکی ادعا شده که مصرف خون خفاش برای جلوگیری از رشد پستان‌ها یا روییدن موها در نواحی زیر بغل و زهار، سودمند است ولی من در تجربیات بالینی، این ادعا را نادرست یافته‌ام. هم‌چنین مطالب نادرست دیگری در برخی کتاب‌های پزشکی آمده و مثلاً گفته‌اند که خون مرغ یا خروس برای درمان خونریزی پرده‌های مغز سودمند است یا خون گوسفند برای مبتلایان به صرع تأثیر خوبی دارد. برخی هم گفته‌اند که خون موش خرما نیروی بینایی را افزایش می‌دهد. من استفاده از این مواد کثیف و پلید را نادرست می‌دانم و برای هر یک از موارد یادشده، داروهای آزموده شده را که تأثیرشان در تجربیات بالینی به اثبات رسیده، به‌کار می‌برم؛ بنابراین، چنین مطالبی نباید در کتاب‌های پزشکی نقل شوند (۵).

۳- رعایت موازین اخلاقی در امور درمانی:

رازی برای هر اقدام درمانی خود را موظف به رعایت اخلاق، دقت و امانت و احساس تعهد نسبت به بیمار می‌داند. به نمونه‌های زیر که عیناً در کتاب الحاوی آمده، توجه فرمایید:

الف- هیچ‌گاه نباید پیش از شناسایی عامل درد، داروهای ضد درد را تجویز کرد، بلکه باید به دقت عامل پدید آورنده‌ی درد را شناسایی، سپس درمان را آغاز کرد. در همین راستا، به‌جز در موارد اضطراری، نباید داروهای ضد درد را به‌کار برد، زیرا استفاده از این داروها عامل پدید آورنده‌ی درد را از بین نمی‌برد، بلکه فقط عارضه‌ی بیماری را که به‌صورت درد ظاهر شده، فرو می‌نشاند و چه بسا این فرونشاندن درد، بیمار

را به خواب فرو برده، به عوارضی هم‌چون نابینایی یا ناشنوایی بینجامد.

در این راستا، اگر بیماری دچار سردرد شدید همراه با حالت تهوع و استفراغ و هم‌زمان دچار درد چشم و تاری دید شده باشد، نباید از داروهای بی‌حس‌کننده و ضد دردی هم‌چون تریاک و بنگدانه استفاده کرد، زیرا برخی از چنین بیمارانی، پس از مصرف داروهای یاد شده، برای همیشه کور شده‌اند (۶).

ب- هنگام روبه‌روشدن با بیماری که از درد دندان شکایت دارد باید پیش از هر اقدام درمانی به بررسی وضعیت لثه‌ها از نظر سلامت، خونریزی، آماس حاد یا مزمن، محدود بودن درد به یک دندان یا دندان‌های مجاور، ضایعه‌ی دندان یا رشته‌ی عصبی که به دندان می‌رسد و این که درد دندان اولیه است یا ثانوی به آسیب لثه‌ها پرداخته شود. به‌جز این‌ها، ممکن است پرخونی، اختلالات معده و دستگاه گوارش، بیماری‌های مربوط به اندام‌های سر و جمجمه یا خشکی شدید مزاج و دهان، عامل درد دندان باشند (۷).

ج- اما داروهای سودمند و مؤثری هم‌چون زعفران هم نباید پیش از اندازه نیاز مصرف شوند، زیرا زعفران اگر چه رنگ رخسار را نیکو می‌گرداند و شادی آفرین است، زیاده‌روی در مصرف آن کار پسندیده‌ای نیست، زیرا میل به خوراک را از بین برده و چنان‌چه بیش از حد مصرف شود، ممکن است به مرگ مصرف‌کننده بینجامد (۵).

د- رازی به نقل از جالینوس آورده است:

یکی از پزشکان مدعی بود که با خون کبوتر زنی را که مبتلا به بیماری آسم بود، درمان کرده است. من از آن پزشک چگونگی تشخیص و انواع آسم را پرسیدم، اما آن پزشک هیچ اطلاعی در این زمینه نداشت؛ بنابراین، متوجه شدم که درمان آن پزشک هیچ تأثیر عملی نداشته است (۵).

ه- با توجه به این که برای درمان بیماری طرفه داروهای چشمی ویژه‌ای وجود دارد که در دسترس هستند و به آسانی

فهرست منابع

۱. رازی م. الحاوی الکبیر فی الطب. بیروت: دار إحياء التراث العرب، ۲۰۰۲ م؛ جلد ۲۳، صفحه ۴۳۰ - ۴۲۵.
 ۲. طباطبایی م. دیدگاه پزشکان نامدار ایرانی پیرامون نقش خون در بدن انسان. مجله علمی پژوهشی طب و تزکیه، ۱۳۷۶؛ شماره ۲۶، صفحه ۸۹ - ۸۶.
 ۳. طباطبایی م. اخلاق پزشکی از دیدگاه زکریای رازی. خلاصه مقالات کنگره کشوری اخلاق پزشکی کاربردی. مشهد: سازمان جامعه پزشکی خراسان رضوی، ۱۳۸۵؛ صفحه ۵۵ - ۵۴.
 ۴. طباطبایی م، لطیفیان ب. بررسی میزان رضایت شغلی و سازه‌های وابسته به آن در دندانپزشکان شهر مشهد. فصلنامه علمی پژوهشی بهداشت روانی دانشگاه مشهد ۱۳۸۴، شماره ۲۴ - ۲۳، صفحه ۱۰۴ - ۹۹.
 ۵. رازی م. الحاوی الکبیر فی الطب. ترجمه‌ی: طباطبایی م. شبکه تحقیقات گیاهان دارویی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳؛ جلد ۲۰، صفحه ۵۵۳ - ۴۴۸.
 ۶. رازی م. الحاوی الکبیر فی الطب. ترجمه‌ی: طباطبایی م. تهران: شرکت داروسازی الحاوی، ۱۳۸۳؛ جلد ۲، صفحه ۴۸ - ۱۱.
 ۷. طباطبایی م. ارزیابی دیدگاه محمد بن زکریای رازی و طب سنتی درباره دندانپزشکی و بهداشت دهان و دندان. مشهد: مجله دانشکده دندانپزشکی ۱۳۸۴؛ شماره ۲۹ (۱ و ۲): صفحه ۱۴۴ - ۱۴۱.
- تهیه می‌شوند، چرا باید خود را ناگزیر به استفاده از خون کبوتر یا قمری بکنیم؟ (۵).
- و- رازی به نقل از جالینوس آورده است: برخی از پزشکان، استفاده از سرگین موش را برای درمان «داء الثعلب»^۱ توصیه کرده‌اند و گروهی هم آن را هم‌چون شیاف نشیمنگاهی برای درمان یبوست کودکان به کار برده‌اند، ولی نباید هیچ‌گاه از چنین درمانی استفاده کرد (۵).
- نتیجه‌گیری :**
- آنچه در کتاب الحاوی آمده، علاوه بر منطبق بودن با موازین پزشکی نوین، از افتخارات طب سنتی و هویت پزشکی ایرانی به‌شمار آمده، شایسته است که تفضیل آن‌ها به‌صورت کاربردی در آموزش‌های پزشکی گنجانده شوند.
- یادآوری:**
- نگارنده‌ی مقاله در این‌جا یادآور می‌شود که علاوه بر منابعی که در متن مقاله به آن‌ها اشاره شده، از منابع متعدد دیگری هم برای برگردان، مقابله و تصحیح متن اصلی عربی به زبان فارسی استفاده شده که برخی از آن‌ها را در فهرست منابع به ترتیب حروف الفبا آورده است (۲۳-۸).

۸. ابن ابی اصیبعه احمد بن القاسم. عیون الأنباء فی طبقات الأطباء. بیروت: دارالفکر، ۱۹۵۶ م.
۹. ابن جلیل سلیمان بن حسان اندلسی. طبقات الأطباء و الحكماء. ترجمه‌ی: امام م ک. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.
۱۰. ابن منظور افریقی مصری محمد بن مکرم. لسان العرب، اعداد و تصنیف. بیروت: یوسف الخياط، دار صادر، ۱۹۹۲.
۱۱. احسان اوغلی اکمل الدین و همکاران. مخطوطات الطب الإسلامی فی مکتبات ترکیا. استانبول: مرکز الأبحاث للتاریخ و الفنون و الثقافه الإسلامیه، ۱۹۸۴.
۱۲. الگود س. تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه‌ی: فرقانی ب. تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۶.
۱۳. اندلسی صاعد بن احمد. التعریف بطبقات الامم. تحقیق: جمشیدنژاد اول غ. تهران: دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۶.
۱۴. براون ا. تاریخ طب اسلامی. ترجمه‌ی: رجب نیا م. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
۱۵. بعلبکی م. المورد. بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۳.
۱۶. حکیم ع، و همکاران. قاموس القانون فی الطب. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخی پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران، ۱۹۸۸.
۱۷. خراسانی ش. نخستین فیلسوفان یونان. تهران: شرکت انتشارات و آموزش اسلامی، ۱۳۷۰.
۱۸. دهخدا ع. لغت نامه. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۱۹. عکاوی رخ. الموجز فی تاریخ الطب عندالعرب. بیروت: دار المناهل، ۱۹۹۵.
۲۰. فیروزآبادی م. بیروت: المؤسسه الهریه للطباعه و النشر، جلد ۴-۱.
۲۱. فیومی احمد بن محمد المصباح المنیر، قم، ۱۴۰۵.
۲۲. نجم آبادی م. تاریخ طب در ایران پس از اسلام. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
۲۳. هروی م. جواهر اللغه، نسخه خطی شماره ۵۱۷۱ کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، مشهد مقدس، ۱۲۴۵ ق.